

میهمانی تقویم‌ها

نقیصه‌سادات مؤذن (باران)



علی علیه السلام در مدینه‌ای که هفده سال است، بی‌گل روی فاطمه علیها السلام خورشیدی طلوع می‌کند، امروز چشم انتظار تولد دستان مردانه‌ای است که حسینش را پشت و پناه باشد و «کاشف الكرب»^۲

چشمه‌ای دیگر به زلال جاری اسلام می‌پیوندد و کمالی دیگر، تکامل اسلام را ضامن می‌شود. و این همه، ادامه همان «کملت لکم دینکم»^۳ است. نسلی که مسئولیت هدایت بشر را دوش به دوش به ارث می‌برند. نسلی که میراث‌شان تنها امت است که باید به قله‌های سعادت برسند.

حالا دیگر سی‌وهشت سال از هجرت پیامبر گذشته است. دو سالی می‌شود که امت از سرگردانی‌های پس از سقیفه خلاص شده‌اند و دارند طعم حکومت امام معصوم علیه السلام را می‌چشند.

اما جنگ‌ها و اختلاف‌ها و کشمکش‌ها نگذاشته‌اند شیرینی این بهشت زمینی به مذاق مردم بنشیند. در این میان در خانه حسین علیه السلام، پنجم شعبان رنگ و بوی دیگر گرفته است.

امروز شاهزاده ایران زمین، شهربانو، چنان گوهری را به امام خود تقدیم می‌کند که در خزانه هیچ پادشاهی در تاریخ شاهنشاهی جهان، نظیرش نبوده و نخواهد بود. چشمه هنوز هم جاری است و در متن تاریخ پیش می‌رود.

باز هم شعبان در راه خواهد بود.

شعبانی که در سال ۲۵۵ خواهد آمد، کار فراز و فرودهای تاریخ را یکسره خواهد کرد. چشمه‌ای که در آن شعبان بجوشد، تاریخ را به فرازها و صعودها و تکامل‌ها خواهد کشاند. فرازهای بی‌فرد، صعودهای بی‌سقوط، تکامل‌های بی‌نقصان.

میراث‌دار امت در نیمه شعبان ۲۵۵، قله‌های سعادت را دست یافتنی و طعم رستگاری را چشیدنی خواهد کرد. پس بجوش ای زلال جاری! بجوش و بخروش و فتح کن و طراوت ببخش.

ما پا به پای تو و تاریخ تا آن قله‌های سربلند خواهیم دوید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. فرشته‌ای که به برکت میلاد پر نور و برکت امام حسین علیه السلام بخشیده و بال‌هایش باز پس داده شد.

۲. «یا کاشف الكرب عن وجه الحسین»: ای کسی که غم از چهره حسین می‌زدایی.

۳. مانده

نقطه تلاقی دو جهان

زینب‌سادات جعفری

اشتراک تمام وارستگان و آزادمدان با هر دین و آیینی...

نقطه تلاقی دو جهان...

مرکز شیدایی دل‌های سرگشته...

همین‌جا... درست در نام تو معنا می‌شود؛ در حضورت! قمر همیشه تابان زندگی آدمیان... عبدالصالح... باب‌الحوائج... ابوالفضل‌العباس... علمدار تا همیشه دین!

از مدینه بگیر و بین‌الحرمین، غربت بقیع و قبر بی‌نشان مادر، فاطمه علیها السلام... تا نجف و کربلا... و باز بین‌الحرمین...

تو فصل مشترک عشق و دلدادگی و آزادی هستی!

ادب و احترام را تو معنایی که بر برادر در ولادت قدمی عقب‌تر و در شهادت، پیش‌تری!

مهربانی تویی در آتش کویر، با لبان تشنه و تن رنجور، بی‌تابی برادرزاده را تاب نمی‌آوری!

از هر آنچه نیکی است تو نشانه‌ای؛ تعبیری... تو نیک مطلق!

می‌توان هر خوبی را در تو تفسیر کرد. تو نقطه مشترک خوبان و مقربانی!

تو را در بزرگواری رسول الله صلی الله علیه و آله در مهربانی فاطمه علیها السلام در عدالت علی علیه السلام در مظلومیت حسن علیه السلام و در شجاعت حسین علیه السلام می‌توان یافت!

عظمت آفرینش را... شکوه آدمی را... معنای صریح «فتبارک‌الله احسن الخالقین» را با تو می‌توان شناخت!

تو تجلی آیه‌های انسانی... معنای بلند پاکی و صداقت؛ ایثار و دل‌باختگی!

لحظه لحظه حضور در زمین، بشارت لمس جلوه‌ای از خداست... تو همیشه با شکوهی... با صلابتی و مرد!

از ولادت تا شهادت... تا همیشه تاریخ... همیشه روزگار این جهان و جهان باقی... تا سخن از آدمی هست، تو تفسیر محکم قرآن آفرینشی!

تو نقطه تلاقی برترین‌های روزگاری؛ از ازل تا به ابد، از ولادت تا شهادت.

تو نقطه پیوند امامتی... زنجیره اتصال پدر و پسری از خاندان نور... ولادت در میانه ولادت باشکوه‌شان، عظمت تو را، مقام ولایت را تشریح می‌کند.

تو نقطه تلاقی برترین‌های روزگاری!